

Cultural factors affecting creative teaching from the teachers' perspectives of Nursing and Midwifery faculty of Mashhad University of Medical Sciences

Sakineh Amin Mohebbi, Hossein Jafari Sani, Mahmoud Saeidi Rezvani, Amir Amin Yazdi

<sup>1</sup>Assistant Professor of Educational Sciences, Hakimsabzevari University, Mashhad, Iran

<sup>2,3,4</sup>Associate Professor, Department of Educational Sciences and Psychology, Ferdowsi University, Mashhad, Iran

Abstract

Teaching-learning process is different in every culture to the perceptions and interpretations of the main actors. This article was performed to identify and analyze the culture of creative teaching in the faculty of Nursing and Midwifery of Mashhad University of Medical Sciences. The qualitative research, purposeful sampling and saturation logic based on the theoretical perspectives of 16 faculty members were identified. Data was collected by non-structured interviews and was analyzed through coding techniques. The results were classified into five categories: student characteristics, the power distance of the teacher and student, student-teacher dependency, conserving attitude to science, emphasis on research and lack of teachers' educational training. The results showed that teachers had different ideas about the characteristics of students and there was a clear boundary between the student and the professor stress. In addition, the findings showed that students tended directly to learn lessons from a teacher. On the other hands, students were not able to discuss and challenge in the classroom and lack of emphasis on research and education as well as other factors on creative teaching process.

**Keywords:** Faculty member, Creative teaching, Cultural factors, faculty of Nursing and Midwifery, Mashhad University of Medical

عوامل فرهنگی مؤثر بر تدریس خلاق از دیدگاه اساتید دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

سکینه محبی امین<sup>۱</sup>، حسین جعفری ثانی<sup>۲</sup>، محمود سعیدی رضوانی<sup>۳</sup>

امیر امین یزدی<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup>استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه حکیم سبزواری،

<sup>۲,۳,۴</sup>دانشیار گروه علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

چکیده

فرایند یاددهی - یادگیری در هر فرهنگ با نظر به ادراکات و برداشت‌های کنشگران اصلی آن متفاوت است. این مقاله فرهنگ تدریس خلاق را در دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی مشهد مورد شناسایی و تحلیل قرار داده است. با استفاده از روش تحقیق کیفی، نمونه‌گیری هدفمند و بر اساس منطق اشباع نظری، دیدگاه‌های ۱۶ نفر از اساتید دانشکده مذکور شناسایی شد. داده‌ها با استفاده از ابزار مصاحبه غیرساختارمند یا عمیق جمع‌آوری گردید و از طریق روش کدگذاری تحلیل شد. یافته‌ها در پنج مقوله شامل: ویژگی‌های دانشجویان، فاصله قدرت استاد - دانشجو، وابستگی دانشجو به استاد، نگرش ستایشگرانه به علم و تأکید بر پژوهش و فقدان دانش تربیتی اساتید دسته‌بندی شد. نتایج نشان داد که اساتید تصورات متفاوتی نسبت به ویژگی‌های دانشجویان دارند و بر وجود یک مرز مشخص بین دانشجو و استاد تأکید می‌کنند. علاوه بر این، یافته‌ها نشان داد که از نظر اساتید، دانشجویان تمایل دارند درس را مستقیماً از استاد بیامورند و همچنین به بحث و چالش در فرایند تدریس تمایلی ندارند. تأکید بر پژوهش و فقدان دانش تربیتی نیز از جمله عوامل مؤثر دیگر بر فرایند تدریس خلاق شناسایی شد.

**واژگان کلیدی:** اساتید، تدریس خلاق، عوامل فرهنگی، دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

## مقدمه

از منظر رویکرد انسان شناسی آموزش و پرورش (Anthropology of education) و تأکیدی که بر فرهنگ و آموزه‌های فرهنگی می‌شود، زاویه‌ای متفاوت برای فهم فرایند تدریس و یادگیری وجود دارد. این نوع نگاه فعالیت و ایده‌های انسانی را اموری با ماهیت فرهنگی می‌داند (Niknam, 2011). مفهوم فرهنگ از جمله مفاهیمی است که در دهه‌های اخیر قدم به حوزه مطالعات برنامه درسی گذاشته است (Geertz, 1983). از آن جایی که خلاقیت ارتباط تنگاتنگی با محیط خاص و فرهنگ دارد (Ferrari & et al, 1993)، بسیاری از محققان مانند آمابیل براین باورند که وجود یک فرهنگ مناسب برای نوآوری می‌تواند نقش محرک دائمی را بر عهده گرفته، رفتار افراد را در جهت نوآوری هدایت نماید. فرهنگ یادگیری ممکن است برانگیزاننده و یا کشنده خلاقیت باشد. یک فرهنگ خلاق فرصت‌هایی را برای آزمایش، دستیابی آسان به منابع و اطلاعات و استراتژی‌های برانگیزاننده فراهم می‌کند (Maynard, 2004). به دلیل نیاز جامعه امروز به افراد متفکر و خلاق، ضرورت تغییر روش‌های تدریس و استفاده از روش‌های تدریس فعال بیش از پیش احساس می‌شود (Banisi, 2010). تدریس یک فعالیت ایستا مانند دوچرخه سواری یا ماهیگیری نیست. تدریس مثل همه هنرها جایگاه بالایی دارد و یک استراتژی در مواجهه با کارهای غیرممکن است (Craft & et al, 2007). در آموزش عالی اساتید می‌توانند با بهره‌گیری از روش‌های تدریس خلاق (Creative teaching) فضایی را ایجاد کنند که یادگیری برانگیزاننده و معنادار شود و دستیابی به اهداف آموزشی آسان گردد. تدریس خلاق شامل تدریسی است که یادگیری را جذاب‌تر و مؤثرتر می‌کند. در فضایی که در آن فرهنگ تدریس خلاق وجود دارد؛ کنجکاوی، ارتباط، استقلال و اصالت به عنوان عناصر کلیدی پداگوژی اساتید خلاق، تلقی می‌شود (Cremin & Burnard, 2006). تدریس و روش‌های یادگیری بین فرهنگ‌های مختلف متفاوت است و از این روسیستم آموزشی، بازتابی از فرهنگ جامعه، نیازها و آرزوها و ماهیت دانش موجود در یک جامعه محسوب می‌شود (Nakpodia, 2010).

فرهنگ دانشگاهی را می‌توان الگوی معانی نهفته در صور نمادین، از جمله کنش‌ها، گفته‌ها و تمامی مقولات معناداری دانست که افراد دانشگاهی به کمک آن با هم ارتباط برقرار می‌کنند و در تجارب، دریافت‌ها و باورهای مشترک با یکدیگر سهیم می‌شوند. فرهنگ دانشگاهی به صورت زبان ویژه، فضای نمادین، آیین‌های دانشگاهی، عرف و مقررات و به طور کلی نمادهای خاص، عینیت و تبلور می‌یابد و مهمترین کارکرد آن تعیین ایجاد و نوع خاص هویت برای انسان دانشگاهی است (Fazeli, 2008). بنابراین حوزه مشخص کننده فرهنگ در این پژوهش، فرهنگ دانشگاهی است که به منزله عقاید اساسی، ادراکات و مفروضات ذهنی استادان در مورد فرایند یاددهی - یادگیری است. مدرسان دانشگاه‌ها باید برای تدریس، روش‌هایی را به کارگیرند که ممکن است با روش‌هایی که خود آنها آموزش دیده‌اند؛ بسیار متفاوت باشد (Sheykhzadeh & Samari, 2010). امروزه در کلاس‌های درس حتی دوره‌های تحصیلات تکمیلی بیشتر آموزش مستقیم مطلب و نه برانگیختن حس تحقیق و خلاقیت در دانشجویان صورت می‌گیرد (Shakibaei, 2009). در ایران با بررسی مطالعات انجام شده مشخص شد که مطالعات کیفی انجام شده در موضوع فرهنگ تدریس اندک بوده و اغلب روی بعضی راهبردهای تدریس تمرکز داشته‌اند. سپندار (Sepandar, 2011) در مطالعه خود تفاوت معناداری بین نظرات اساتید و دانشجویان در رابطه با میزان کاربرد مؤلفه‌های فرهنگ در برنامه درسی اجرا شده نشان داد. دانشجویان معتقد بودند که اساتید از مؤلفه‌های فرهنگ کمتر در تدریس استفاده می‌کنند. اما هر دو گروه معتقد بودند که به اندازه‌ای که مؤلفه‌های فرهنگ در برنامه درسی اهمیت دارند از آنها در فرایند تدریس استفاده نمی‌شود. در پژوهش دیگری که توسط نیک‌نشان (Nikneshan, 2010) انجام شد، یافته‌های بخش کیفی نشان داد که متخصصان در خصوص روش‌های تدریس بر سه مقوله کاربرد روش تدریس فعال، روش‌های تدریس خلاق و مشارکتی تأکید کرده‌اند. متخصصان درباره ویژگی اساتید بر چهار مقوله هماهنگ بودن دانش اساتید با دانش روز، داشتن تفکر انتقادی، خلاق بودن و آشنا بودن آنان با شخصیت منحصر به فرد فراگیران تأکید کرده‌اند.

خلاق کمک کند. سؤال اصلی این پژوهش این است که عوامل فرهنگی مؤثر بر تدریس خلاق از دیدگاه اساتید دانشکده پرستاری و مامایی مشهد کدام است؟

### روش پژوهش

رویکرد این پژوهش کیفی است. رویکرد کیفی تلاشی است جهت توصیف غیرکمی از موقعیت‌ها، حوادث و سعی بر ارائه تعبیر و تفسیر معانی که انسان‌ها در موقعیت‌های طبیعی و عادی به زندگی خود و حوادث می‌بخشند و فرض بر این است که کنش متقابل اجتماعی کلیتی در هم تنیده روابطی را تشکیل می‌دهد که به وسیله استقراء قابل درک است (Mohammadi, 2009). قلمرو پژوهش دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی مشهد بود.

از دلایل انتخاب آن می‌توان به تنوع دروس علوم پزشکی و نیز فعالیت در دو محیط تئوری و بالین نام برد که انتظار می‌رفت شیوه‌های تدریس خلاق در آن جا به کار برده شود. در بین راهبردهای متنوع نمونه‌گیری، نمونه‌گیری هدفمند انتخاب گردید. در این شیوه محقق براساس موضوع یا اهداف، افرادی را برای مصاحبه انتخاب می‌کند (Johnson, 2008).

تعداد افراد مصاحبه با رسیدن به اشباع نظری تعیین شد (Iman, 2009). اساتید از پنج رشته پرستاری، مامایی، هوشبری، اتاق عمل و فوریت‌های پزشکی انتخاب شدند. جهت دستیابی به اطلاعات غنی‌تر، سعی شد تا اساتید از هر دو جنس مرد و زن باشند. تعداد شرکت کنندگان، پس از رسیدن به مرحله اشباع نظری، مجموعاً به ۱۶ نفر (۱۰ زن و ۶ مرد) رسید. جدول شماره ۱ اطلاعات عمومی پیرامون اساتید را نشان می‌دهد.

همچنین لارکیان (Larkian, 2011) در پژوهش خود دریافت که یادگیری الکترونیکی برای دانشجویان ایرانی پیامدهای منفی به همراه داشته است. از جمله این پیامدها فقدان ارتباط چهره به چهره در فضای مجازی بوده است. این امر موجب شده است تا متن درسی جایگزین استاد شود و دانشجو نتواند با آموخته‌های خود ارتباط برقرار نماید. اوزنر (Uzuner, 2009) نیز نشان داد که دانشجویان شرقی در مقایسه با غربی‌ها کمتر به نقد و ارائه نظر می‌پردازند، جمع‌گرا هستند و به تلاش گروهی، هماهنگی و احساسات توجه دارند. دانشجویان شرقی عدم ارتباط حضوری با اساتید و همکلاسی‌ها را چالش یادگیری می‌دانند، اما غربی‌ها اعتقاد دارند که ارتباط حضوری تأثیر مثبت یا منفی بر توانایی یادگیری‌شان دارد. دانشجویان شرقی در درس‌ها کمتر وارد تفکر انتقادی می‌شوند، به آموزش ساختار یافته وابسته هستند و از شکست واهمه دارند. غربی‌ها نظرات شخصی خود را در کلاس مجازی بیان می‌کنند و از یادگیری لذت می‌برند. وانگ (Wang, 2006) در پژوهش دیگری چگونگی تأثیر ارزش‌های فرهنگی بر تجارب یادگیری الکترونیکی دانشجویان چینی در آمریکا را بررسی کرد. این پژوهش که به روش کیفی انجام شد، نشان داد که دانشجویان چینی بر یادگیری کنترل زیادی دارند، از اجتماعات متنوع یادگیری و شکل‌های مختلف پشتیبانی استفاده می‌کنند و وجود مدیریت یادگیری تحت حمایت استاد و همکلاسی‌ها را لازم می‌دانند. از آن جا که تحقیق کیفی و مبتنی بر تجارب زنده برای تبیین عوامل فرهنگی مؤثر در فرایند تدریس خلاق، تاکنون انجام نشده است، بنابراین انجام یک مطالعه کیفی در این باره می‌تواند به شناخت عمیق‌تر عوامل فرهنگی مؤثر بر فرایند تدریس

جدول ۱ - ویژگی‌های اساتید شرکت کننده در پژوهش

رشته	پرستاری	مامایی	اتاق عمل	هوشبری	فوریت‌های پزشکی
تعداد	۶	۳	۳	۲	۲
جنسیت	مرد	مرد	مرد	مرد	مرد
	زن	زن	زن	زن	زن
جمع کل	۶	۳	۳	۲	۲

استفاده گردید. بدین ترتیب که نتایج تحلیل و مقوله بندی‌های حاصل از مصاحبه، در اختیار افراد مصاحبه شونده قرار گرفت که مورد تأیید آنان واقع شد. در خصوص انتقال پذیری (Transferability) سعی شد که از توصیف ضخیم (Thick Description) استفاده شود. به این ترتیب سعی شد تا توصیفات جزئی به قدر کافی در زمینه ایجاد گردد و گزارشات آنان با جزئیات دقیق بیان شود تا قابلیت انتقال برای خواننده به وجود بیاید. برای قابلیت اطمینان یافته‌ها (Dependability) سعی شد تا فرایندها و تصمیمات مربوط به پژوهش به طور مستند و واضح تشریح شود (Guba, 1982 & Lincoln). به علاوه جهت تأییدپذیری نتایج تلاش شد تا با استفاده از روش چند جانبه نگری، یافته‌ها با پیشینه پژوهش مقایسه شود و با استناد به بحث‌های نظری در تبیین آنها اقدام شود. به علاوه، چند جانبه نگری داده‌ها نیز استفاده شد به گونه‌ای که داده‌ها به طور مستمر مورد تحلیل مقایسه‌ای قرار گرفتند.

#### یافته‌های پژوهش

فرهنگ‌های مختلف هنجارها، ارزش‌ها و انتظارات متفاوتی دارند و این تفاوت‌های فرهنگی تأثیر عمیقی بر فعالیت‌های آموزشی دارد. گرایشات فرهنگی ارزش‌های هر فرهنگ بر روی چگونگی فرایند تدریس و یادگیری مؤثر بوده است و ایده‌های اساتید را در مورد فعالیت‌های آموزشی شکل می‌دهند (Ho & et al, 2004). سؤال اصلی این پژوهش این است که عوامل فرهنگی مؤثر بر تدریس خلاق از دیدگاه اساتید دانشکده پرستاری و مامایی مشهد کدام است؟ با بررسی دیدگاه اساتید مشخص شد که مهمترین عوامل فرهنگی در رابطه با به کارگیری شیوه‌های خلاق در تدریس شامل مواردی است که در تصویر شماره ۱ آمده است.

همان گونه که اشاره شد، یافته‌های حاصل از پژوهش را می‌توان در پنج طبقه کلی قرار داد. در ادامه این طبقات با ذکر دیدگاه‌های اساتید تبیین می‌شود. به هر شرکت کننده یک شماره اختصاص داده شد.

#### ۱ - ویژگی دانشجویان

تصور از دانشجو به مثابه نسلی راحت طلب و غیر فعال

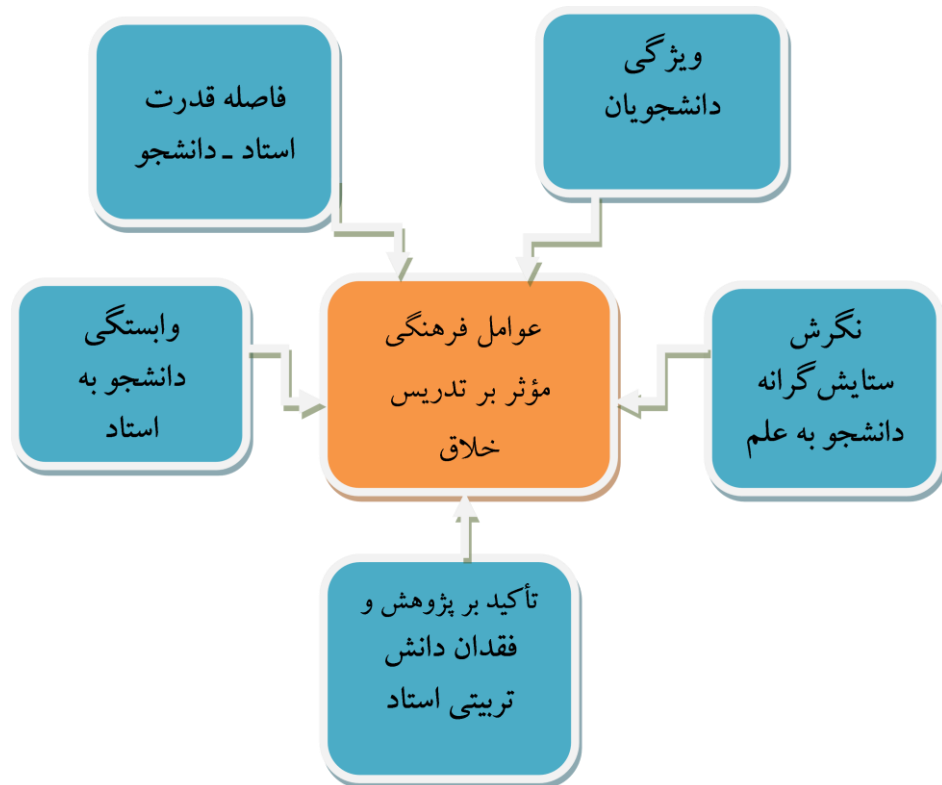
ابزار اصلی جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش، مصاحبه ساختار نیافته بود. این نوع مصاحبه مواجهه‌ای چهره به چهره و غیررسمی است که تقریباً مانند یک گفتگوی طبیعی بین افرادی است که روابط محکم و جا افتاده‌ای دارند (Homan, 2006). مصاحبه‌ها در مکان آرام و خلوت - که معمولاً دفتر اساتید بود - و در ساعتی که پیشنهاد آنان بود انجام شد. پیش از شروع مصاحبه، برای رعایت ملاحظات اخلاقی تحقیق، علاوه بر اطلاعات شفاهی مورد نیاز و توضیح هدف تحقیق و معرفی پژوهشگر با تأکید بر محرمانه بودن اطلاعات، صدای آنها به طور کامل ضبط و از امور مهم و کلیدی یادداشت برداری شد. هر مصاحبه بین ۴۵ دقیقه تا یک ساعت طول کشید. سؤالات بیشتر بر ارتباط متقابل اساتید و دانشجویان و همچنین نگرش‌ها و تصورات آنها در مورد فرایند تدریس بود. مصاحبه‌ها به طور کامل ضبط گردید و پس از ضبط، متن مصاحبه‌ها پیاده و سپس تایپ شد تا استفاده از آن برای کدگذاری داده‌ها راحت‌تر صورت گیرد. محقق پیش از خواندن متن مصاحبه‌ها، چندین بار آنها را گوش داد تا با متن کاملاً آشنا شده، بتواند معانی اصلی را استخراج نماید. آغاز عملیات تحلیل پس از اولین مصاحبه آغاز و محقق بعد از دو مصاحبه، کار دسته بندی را آغاز کرد. این کار به محقق کمک کرد تا بتواند سؤالات دیگر مورد نیاز را طراحی و مسیر مطالعه را بهتر هدایت نماید. در این پژوهش جهت تحلیل داده‌ها از روش کدگذاری استراوس و کوربین استفاده شد. از میان سطوح سه‌گانه کدگذاری استراوس و کوربین بنا بر هدف تحقیق؛ دو مرحله انتخاب شد. در کدگذاری باز که اولین مرحله کدبندی داده است، داده‌ها سطر به سطر یا به صورت پاراگرافی کدبندی و مفهوم بندی گردید. در مرحله بعدی یعنی کدگذاری محوری مفاهیم بر اساس اشتراکات و یا هم معنایی در کنار هم قرار گرفت و مقوله محوری شکل یافت. برای قضاوت پیرامون یافته‌های پژوهش از چهار معیار مورد نظر صاحب نظران پژوهش‌های کیفی شامل قابل قبول بودن، انتقال پذیری، قابلیت اطمینان و تأیید پذیری استفاده شد. برای تأیید دقت و صحت یافته‌ها (Trustworthiness) و اعتبار مطالعه (Credibility) از شیوه چک کردن اعضا (Member check)

راحت طلب هستند و زودتر خسته می‌شوند. دانشجویان فرصت جستجوی مطالب رو ندارند». شرکت کننده شماره ۷ می‌گوید: «وقتی من یک روش تدریس جدید رو اجرا می‌کنم دانشجو مسؤلیت قبول نمی‌کنه چون باید فعال باشه. دانشجوها می‌گن ما خسته‌ایم»

شرکت کننده شماره ۸ تصریح می‌کند: «دانشجوها ما خیلی راحت طلب شدن و مطالب رو راحت و شسته و رفته می‌خوان. تمایلی به فعالیت ندارند و خیلی وقت‌ها معتقدند فعالیت‌هایی که استاد به اونا می‌ده برای کسب امتیاز پژوهشی خودشه و برای اونا فایده‌ای نداره. انگار فقط می‌خوان درس‌ها رو پاس کنن».

شرکت کننده شماره ۱۴ معتقد است: «ما نسل‌های مختلفی از دانشجویان رو داریم. نسل ملنیال (Millennials) یکی از این نسل‌هاست. این نسل اون‌هایی هستند که بعد از سال ۲۰۰۰ وارد دانشگاه می‌شوند. اونا چند کار رو با هم انجام می‌دن. وقت شون محدوده. حوصله درس خوندن ندارند. حوصله بیمارستان رفتن ندارند».

کانلی و کلاندینین (۱۹۸۸) معتقدند که با تحلیل نظام‌های فکری هر فرهنگ مفروضات آن را درباره دانشجو، استاد، محتوا، برنامه ریزی و ارزشیابی به دست می‌آوریم. ویژگی دانشجویان می‌تواند بفرایندهای یاددهی - یادگیری مؤثر باشد. اساتید مطالعه حاضر عمدتاً دانشجویان را نسل متفاوت و راحت طلبی می‌دانستند و معتقد بودند با این که هوش آنها بیشتر شده است اما انگیزه‌ای برای فعالیت ندارند. برای مثال، شرکت کننده شماره ۱ معتقد است: «درحال حاضر ارتباط و آداب و رسوم رفتاری بین استاد و دانشجو تغییر کرده، هوش دانشجویان برای تحصیل بیشتر شده اما توجه و تمرکز حرفه‌ای و درگیری دانشجویان با درس کمتر شده. برای دانشجویان این نسل گرفتن مدرک مهمه، چیزی که انسان رو رنج می‌ده اینه که تعهد اخلاقی به عنوان یک عالم وجود نداره». در همین رابطه در ادامه دیدگاه اساتید دیگر نیز مطرح شده است. شرکت کننده شماره ۶ می‌گوید: «به نظر من دانشجوها با این که در زمینه‌های دیگه بیشتر رشد کردن، کمی حساس‌تر شدن. قدرت تحمل اونا پایین‌تر اومده».



تصویر ۱ - عوامل فرهنگی مؤثر بر تدریس خلاق

استاد - دانشجو استمرار می‌یابد. در این شرایط استاد باید خوراک فکری و اطلاعاتی لازم را برای دانشجو آماده کند. در کلاس درس نظم خشکی حاکم است و همه چیز باید با اجازه استاد انجام و شروع شود و با اساتید با احترام رفتار شود (Hofstede, 1994). در این رابطه شرکت کننده شماره ۲ می‌گوید: «گاهی عده‌ای از دانشجویان می‌خوان از استاد نقطه ضعف بگیرن و کلاس رو به چالش بیندازند. تشویق و تنبیه در برخورد با دانشجویان لازمه».

شرکت کننده شماره ۳ می‌گوید: «حرمت استاد باید حفظ بشه. به دانشجوی این نسل باید شخصیت داد. باید کاری کرد که بچه‌ها از انجام بعضی کارها خجالت بکشند». شرکت کننده شماره ۴ معتقد است: «رفتاری که من ۱۰ سال پیش اون رو هنجار می‌دونستم الان فرق کرده. الان دانشجو از استاد خیلی اطاعت نمی‌کنه و من رابطه بزرگتر و کوچکتر رو بین اون‌ها کمتر می‌بینم. دانشجویان الان خیلی عاطفی عمل نمی‌کنن».

شرکت کننده شماره ۵ می‌گوید: «من متوجه مرز بین خودم و دانشجویان هستم. دانشجویان در دبیرستان خیلی به معلم‌ها نزدیک می‌شن و دوست دارند در دانشگاه هم همین طور باشه. به بعضی از دانشجویان نباید رو داد».

شرکت کننده شماره ۹ تصریح می‌کند: «به اندازه قبل به اساتید احترام گذاشته نمی‌شه. همون قدر که پدر و مادرها در خونه اقتدار قدیم رو ندارند. قبلاً استاد رو مثل پدر و مادر می‌دونستن اما الان ممکنه دانشجو از کنارت ردبشه و توی چشمت نگاه کنه و سلام هم نکنه». شرکت کننده شماره ۱۰ می‌گوید: «ما تفاوت سنی فاحشی بین همکاران داریم و اونا به خاطر سن و سالشون مرزی رو بین خودشون و دانشجو قائل‌اند. اون‌ها معتقدند دانشجو پرتوقع و تنبله و یک محیط استرس‌زا رو ایجاد می‌کنند». عده‌ای از اساتید معتقدند که وجود یک مرز مشخص بین استاد و دانشجو لازم است. آنها اقتدار خود در نزد دانشجو را نتیجه وجود این مرز می‌دانند. تدریس خلاق از ارتباط بین استاد و ارتباطاتش با دانشجویان و موضوع درسی حاصل می‌شود. بنابراین، این نکته مهم است که استراتژی‌های تدریسی که بیشتر در تسهیل تدریس خلاق مؤثر هستند، درک شوند (Anderson-Patton, 1998). در این فضا و با این نوع از

من باید بپذیریم زمانی که خواب بودم دانشجوی من پای کامپیوتر بوده. استادها متفاوت نشدند اما دانشجویان عوض شدند. آدم‌های بی انگیزه‌ای نیستند، آدم‌های متفاوتی‌اند که نیاز به کارهای متفاوت دارند. در گذشته اگر در کلاس دانشجویی با لپ تاپ کار می‌کرد این نشانه بی احترامی به استاد بود اما حالا اگر دانشجویی با لپ تاپش کار نکنه جای تعجب داره». با توجه به این که این تصور وجود دارد که فرایند آموزش، از تعامل بین استاد و دانشجو تشکیل شده است و به اعتقاد فنسترماخووریچاردسون (Fenstermacher&Richardson, 2005) تدریس فعالیتی است که از ویژگی‌های یادگیرنده تأثیر می‌پذیرد، یک مکانیسم مؤثر برای توانمند کردن دانشجویان و برانگیختن آنان برای شرکت در فعالیتهای کلاسی، دادن احساس مالکیت به آنها با استفاده از برنامه درسی مذاکره‌ای (Curriculum negotiation) است. در این برنامه دانشجویان صدای فعالی در طراحی محتوا و سیر یادگیری و نتایج آن دارند. هدف منعطف کردن ارتباط بین دانشجو و استاد و در نتیجه ایجاد یک محیط دانشجو - محور است. در برنامه درسی مذاکره‌ای دانشجویان به مشارکت فعال در یادگیری ترغیب می‌شوند (Gibson, 2010). هنگامی که نیازهای دانشجو در فرایند طراحی برنامه در نظر گرفته شود آنها یادگیری را معنادار دانسته و انگیزه بیشتری برای مشارکت و فعالیت در کلاس دارند. به نظر می‌رسد یکی از علل عدم فعالیت یادگیرندگان و خستگی آنها، جذاب نبودن اغلب برنامه‌های درسی و نیز شیوه‌های سنتی رایج تدریس استادان است که موجب بی حوصلگی و بی علاقه‌گی آنان شده است. از این رو اساتید برای به حرکت واداشتن دانشجویان تا آن جا که به عوامل آموزشی مربوط می‌شود، می‌باید زمینه مشارکت دانشجو در فعالیتهای را با طراحی برنامه‌های جذاب و مبتنی بر نیازهای آن فراهم کنند.

## ۲ - فاصله قدرت استاد و دانشجو

تدریس خلاق مبتنی بر ارتباط بین قلب و مغز است. چنین تدریسی به ارتباطات انسانی بین استاد و دانشجو وابسته است. عنصر عاطفی و هیجانی در خلاقیت مهم است (Grainger&lixian, 2004). در موقعیت اجتماعی که فاصله قدرت زیاد است؛ رابطه نابرابر والد - فرزند در قالب رابطه

گم شما دانشجویید نه دانش‌آموز. اگر خلاف جریان آب حرکت کنی زیر سؤال می‌ری. دانشجویها، استاد خوب را کسی می‌دونن که سر فصل رو مشخص کنه و پاور پوینت‌ها رو خوانا تحویلشون بده».

در بعضی از فرهنگ‌ها از مدرس دانشگاه به منزله متخصص و دارای اقتدار علمی انتظار می‌رود دانش ژرف و گسترده‌ای داشته باشد. این دانش به دانشجو منتقل می‌شود و انتظار می‌رود که دانشجو به دقت گوش کند و با سخت کوشی آن را ملکه ذهنش سازد. دانشجو انتظار دارد مدرس به او دانش را بیاموزد و دائماً در اندیشه و مراقب یادگیری او باشد. نوعی رابطه متقابل بین استاد و دانشجو وجود دارد. دانشجو از استاد به نحو کاملاً مطیعانه‌ای اطاعت می‌کند و به او احترام می‌گذارد، در مقابل استاد هم وظیفه دارد تا مسؤولانه مانند پدر مراقب پیشرفت تحصیلی دانشجو باشد (Cortazzi & et al, 1997). این در حالی است که در فرایند تدریس خلاق استاد و دانشجو باید فعال باشند. نقش استاد تسهیل‌گری است و دانشجو جستجو کننده واقعی علم. در مطالعه حاضر، گر چه اساتید از تغییر و تحولات مهمی در دانشجویان خبر می‌دهند، ولی عده‌ای از آنها معتقدند که دانشجویان تمایل دارند استاد نقش اصلی را در یادگیری آنها ایفا کند و هنوز وابستگی والدین - فرزندی در دانشجویان ما وجود دارد. از این رو برای بهره‌گیری استاد از شیوه‌های تدریس خلاق، این ویژگی فرهنگی یعنی وابستگی استاد به دانشجو باید کاهش یابد. زیرا شیوه‌های جدید و فعال تدریس نیازمند سهیم شدن دانشجو و به عهده گرفتن بخشی از مسؤولیت‌های آموزشی است.

#### ۴ - نگرش ستایشگرانه به علم

به اعتقاد بالارد (Ballard, 1990) دو رویکرد به علم وجود دارد: یکی نگرش ستایشگرانه (attitude Conserving) و دیگری نگرش توسعه طلبانه (extending attitude). در نگرش ستایش گرانه دانشجویان به بازتولید آنچه به آن‌ها گفته شده و حفظ و پاس‌داشت آن می‌پردازند. در حالی که در نگرش دوم، علم را به چالش می‌کشند و نقد می‌کنند. هر یک از این نگرش‌ها، نوع خاصی از استراتژی‌های آموزش و یادگیری را ایجاد می‌کند. بالارد معتقد است درحالی‌که

برداشت از رابطه استاد و دانشجو، امکان برخورد مؤثر و ایجاد فضای خلاقانه در تدریس با مخاطراتی همراه است. زیرا همان گونه که ذکر شد در تدریس خلاق فاصله ارتباطی استاد و دانشجو به حداقل می‌رسد. استادانی که معتقد به وجود یک مرز مشخص بین خود و دانشجو هستند، امکان مذاکره و نیز روابط منعطف را از دانشجو سلب می‌کنند. بنابراین باید سعی شود برای ایجاد فرهنگ تدریس خلاقانه به سمت کاهش این فاصله قدرت بین استاد و دانشجو حرکت کرد.

#### ۳ - وابستگی دانشجو به استاد در فرایند یادگیری

در فرهنگ چین ارتباط استاد - دانشجو عموماً با ارتباط بین والدین و بچه‌های شان قابل مقایسه است. بر اساس نظر هافستد فرهنگ چین، فرهنگی مردانه است. پدر رهبر خانواده است و انتظار می‌رود که بسیار قدرتمند، صریح و قاطع با بچه‌ها برخورد کند (Zhang & Ian, 2009)). در نظام آموزشی که دانشجو در آن رفتار مطیعانه‌ای دارد خلاقیت و تدریس خلاق به درستی اتفاق نمی‌افتد. زیرا تدریس خلاق نیازمند انعطاف و گشودگی ذهن است. در این باره شرکت کننده شماره ۹ معتقد است: «هم اساتید وهم دانشجویان به شیوه‌های سنتی عادت کردن. اگه استادی روش جدیدی برای تدریس بیاره دانشجو فکر می‌کنه استاد داره کار خودش رو سبک می‌کنه یا درس رو سمبل. دانشجوها دوست ندارن بخشی از درس رو به عهده شون بذارید. شاید در بعضی جاها مثل حوزه جا افتاده که دانشجو باید خودش دنبال درس باشه، اما در دانشگاه این رو نمی‌بینیم. دانشجویان به استاد خیلی وابسته هستند. اگر بخواهیم این وابستگی رو کم کنیم باید فرهنگ سازی بشه».

شرکت کننده شماره ۱۳ می‌گوید: «دانشجوها خیلی حاضر نیستند دنبال منابع جدید برن. دوست دارند جزوه بنویسن و نوع سؤالات امتحانی رو از استاد می‌پرسن». شرکت کننده شماره ۱۵ می‌گوید: «دانشجوی من هنوز همون شاگرد دبیرستانییه که فکر می‌کنه باید با همون سیستم کارکرد. مثلاً من در ترمی که بخشی از محتوا رو به عهده خود اونها گذاشته بودم (مکت) به همکارانم گفته بودند استاد ما، بخشی از درس را توضیح نداد. دانشجو معتقد که همه چیز باید توی ذهنش بره. من به اون‌ها می

عدم وجود محیط ذهنی مطلوب یا امنیت روانی برای پرسش و پاسخ بین دانشجویان و استاد و رشد و پرورش توانایی تفکر انتقادی اشاره کرد (Javadi&Abdoli, 2010).

۵ - تأکید استادان بر پژوهش و نداشتن دانش تربیتی در زمینه تدریس

در رابطه با تأکید بیشتر بر پژوهش؛ شرکت کننده شماره ۱ معتقد است: «سقف واحد موظفی که اعضای هیأت علمی دارند زیاده‌اگه سه وظیفه آموزشی، پژوهشی و تربیتی رو می‌خوایم به درستی ایفا کنیم، باید سقف موظفی‌ها کم بشه».

شرکت کننده شماره ۵ می‌گوید: «الآن بیشتر تأکید بر پژوهش تا آموزش. آموزش بیشتر به همون روش سنتی است». شرکت کننده شماره ۱۰ می‌گوید: «انتظارات بالا دست‌ها یکسان نیست. همه دنبال روزمرگی و جمع کردن امتیاز هستند و از هدف اصلی این مرکز که آموزش دانشجویست دور شدیم. اساتید به جای فکر کردن روی این که با دانشجویکار کنند به فکر ترفیع و مقاله و امتیازشون هستند».

شرکت کننده شماره ۱۱ می‌گوید: «سیستم آموزشی گاهی برعکس عمل می‌کنه. بعضی وقت‌ها می‌خواد دانشجو به سمت محفوظات بره. در این دانشکده کیفیت آموزش خیلی مورد چالش نیست. سیستم دانشگاهی ما در بحث مقالات اعتبار رو به مقالات علمی می‌ده. مثلاً در دانشگاه علوم پزشکی چیزی به عنوان علم سنجی مطرح شد که داشتن مقاله ISI ملاک داشتن علم بود. یعنی کسی که این مقالات رو نداره، علم نداره».

در رابطه با نداشتن بنیان‌های علمی در زمینه تدریس نیز شرکت کننده شماره ۸ معتقد است: «متأسفانه فکر می‌کنم زمینه و دامنه استفاده از روش‌های خلاق در رشته ما کمه. رشته پرستاری از اول روی دیسپلینه و از قدیم گفتند پرستاری حالت ارتش رو داره. مربی‌های قدیمی‌تر خیلی بر روی اصول تأکید دارن. بعضی استادها معتقدند که اگه اون اصول کنار گذاشته بشه دانشجوها حرف گوش نمی‌کنن. خلاقیت نیازمند تداعی ذهن و پرواز فکری ولی این اصول سبب شده، خلاقیت کمتر بشه. با اومدن نیروهای جدید دیسپلین قدیمی نیست و روش‌های جدید بیشتر

دانشجویان آسیایی اغلب بر یادگیری طوطی وار ( Rote learning) و عدم تأکید بر نقد و تحلیل مطالب عادت دارند، بررسی‌ها نشان می‌دهد که دانشجویان انگلیسی خود را ملزم می‌دانند که نشان دهند یافته‌ها و مطالبی که در منابع درسی و کلاس به آنان آموخته می‌شود، نباید به سادگی پذیرفته و بازتولید شوند. آنان عمیقاً معتقدند که دانش ساخته دست انسان و لاجرم قابل بحث و به چالش کشیدن است. شرکت کننده شماره ۲ می‌گوید: «دانشجویان بحث علمی با ما ندارن چون ما همه با آمادگی سرکلاس می‌ریم». شرکت کننده شماره ۶ می‌گوید: «دانشجویان خیلی انگیزه ندارن. دوست دارند کلاس زود تمام بشه و برن و دوست دارند درس فقط پاس بشه». شرکت کننده شماره ۸ معتقد است: «در ترم‌های پایین‌تر دانشجویان کمتر بحث می‌کنند و سؤال می‌پرسن. اما در ترم‌های بالاتر بیشتر بحث می‌کنند؛ اما بعضی وقت‌ها حالت ایراد گیری دارن. این جسارت خوبه در صورتی که بعضی استادها قبول ندارن».

مباحثه می‌تواند ساختار آموزشی را به سوی نظامی دموکراتیک‌تر سوق دهد و دانشجویان را به منزله شهروندان جامعه‌ای دموکراتیک، هدفی که جان دیویی آن را رسالت اصلی آموزش می‌دانست، تربیت کند. مباحثه علاوه بر ارزش‌های اخلاقی آن چنان که رورتی (Rorrtty, 1979) معتقد است، کارایی آموزشی کلاس درس را بالا می‌برد و یکی از موفق‌ترین روش‌های تدریس در دانشگاه است (Brookfield&etal, 1999). یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که از دیدگاه اساتید، دانشجویان در کلاس محتوای ارائه شده را به چالش نمی‌کشند در عین حال معتقدند که همه دانشجویان علاقمند نیستند و فقط عده خاصی در کلاس همیشه فعال هستند. عوامل متعددی می‌تواند در توجیه این ضعف در دانشگاه‌های ایران نقش داشته باشد. برای مثال، در طی سال‌های تحصیلی بر حساس بودن دانشجو نسبت به اطلاعاتی که فرا می‌گیرد، تأکید می‌گردد. سخنرانی به عنوان روش غالب در بسیاری از مراکز آموزشی، باعث ترویج سبک انفعالی تعلیم و تربیت می‌شود که در آن تفکر انتقادی یا فقط به طور ضمنی آموزش داده می‌شود و یا هرگز یاد داده نمی‌شود. همچنین از دلایل پایین بودن تفکر انتقادی می‌توان به تأکید بر امتحانات چندگزینه‌ای،



اوقات به دلیل پیچیدگی و چند وجهی بودن فعالیت‌های تشکیل دهنده آن، کیفیت ارائه تدریس مورد غفلت قرار می‌گیرد. بدیهی است که عوامل متعددی بر کیفیت آموزش و تدریس تأثیرگذار هستند (Salehi omran, 2011). همان گونه که اشاره شد، عواملی مانند تأکید بیش از حد بر پژوهش و نیز ضعف بنیان‌های علمی از عوامل مؤثر بر استفاده نکردن استادان از شیوه‌های خلاق تدریس بوده است. از این رو برای حرکت به سمت رویکردهای خلاق، اساتید باید به آموزش به اندازه پژوهش اهمیت دهند و نیز دانش مرتبط با تعلیم و تربیت را کسب نمایند.

### بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش عوامل فرهنگی مؤثر بر تدریس خلاق بررسی گردید. مهمترین اهمیت نظری این پژوهش را می‌توان در وارد کردن دیدگاه فرهنگی به حوزه تدریس دانست. این دیدگاه موجب وسعت بخشیدن به حوزه تدریس می‌شود و افق‌ها را به سوی توجه به ابعاد فرهنگی و اجتماعی در فرایند یاددهی - یادگیری سوق می‌دهد. داده‌های حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که عده‌ای از اساتید دانشجویان فعلی را نسلی تنبل و غیر فعالی می‌دانند که انگیزه‌ای برای فعالیت و قبول مسؤلیت ندارند. باید توجه داشت که یکی از عوامل مؤثر در ارتقای انگیزه در محیط‌های آموزشی، نقش استاد است. ری استر و فاگر (Brewster & Fager, 2000) ویژگی‌های استاد، از جمله بیان روشن انتظارات عملکردی و رفتاری از فراگیران، ایجاد احساس امنیت و حمایت، پاسخ‌گویی مثبت به سؤالات مطرح شده، تلاش به منظور برقراری ارتباطات کیفی با فراگیران و ارزیابی براساس تکالیف را باعث افزایش انگیزه در فراگیران می‌دانند. روحی و همکاران (Rohi & et 2002) ارتباط انگیزه تحصیلی دانشجویان علوم پزشکی گلستان را با چهار دسته عوامل رفاه دانشجویی، عوامل آموزشی، مراکز آموزشی و آینده شغلی بررسی کردند و نتیجه گرفتند که بیشترین ضریب همبستگی بین انگیزه تحصیلی دانشجویان و عوامل آموزشی دانشکده‌ها وجود دارد.

انگیزش درونی پیرامون یک فعالیت به دلیل ماهیت لذت بخش بودن آن تکلیف است و برای دستیابی به این هدف استاد باید محتوای آموزشی را به صورتی دلپذیر ارائه

معرفی می‌شن. ولی هنوز خیلی جای کار داره تا به صورت یک رشته خلاق در بیاد».

شرکت کننده شماره ۹ می‌گوید: «در رشته مامایی چند ساله که روی روش‌های نوین تدریس بحث می‌شه. استفاده از روش‌های جدید خیلی همه گیر نیست. افرادی که سابقه کار بالاتری دارن، همون شیوه‌های سنتی رو به کار می‌گیرن».

شرکت کننده شماره ۱۱ می‌گوید: «در روال آموزشی موجود این تدریس خلاق جایی نداره. یک چارچوب و سرفصل مشخص هست که باید در همون چارچوب کار کنیم. ما کار خلاق انجام نمی‌دیم. ماباید آموزش خلاق رو از پیش دبستانی شروع کنیم».

شرکت کننده شماره ۱۲ نیز می‌گوید: «استادهای علوم پزشکی با روش‌های جدید آشنایی ندارن. چون در حیطه علوم پزشکی اغلب کار بالینی، استاد بنیاد روش سخنرانی رو نمی‌دونه. برنامه ریزی درسی و برنامه ریزی آموزشی نمی‌دونه و بر حسب تجربه کار می‌کنه».

شرکت کننده شماره ۱۴ می‌گوید: «استاد باید تعلیم و تربیت خونده باشه. من خودم به این جمع بندی رسیدم که چقدر با زمانی که تعلیم و تربیت نخونده بودم فرق کردم. ما استادهای خیلی با سوادى به لحاظ محتوایی داریم ولی به لحاظ آموزشی و تربیتی نداریم. تعریف استاد در هزاره سوم این گونه تغییر کرده، یک استاد خوب کسی است که بدونده چه چیز در کجا و به چه علت مؤثره. استادهای ما با پاورپوینت کار می‌کنن. اگر یک روز کامپیوتر خراب بشه با مشکل روبه‌رو می‌شن. اگر شیوه آموزش خلاق قراره اتفاق بیفته باید روش‌های تدریس رو بدونیم. ایراد کار این جاست که ما روش‌ها رو نمی‌دونیم».

شرکت کننده شماره ۱۵ می‌گوید: «شیوه‌های سنتی انرژی برو وقت گیر نیست. حجم کارهای زیاد هیأت علمی اجازه استفاده از روش‌های خلاقانه در تدریس رو نمی‌ده».

آموزش، پژوهش و خدمات مشاوره‌ای از جمله کارکردهای مهمی است که همواره لازم است در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی مورد تأکید قرار گیرند. در این میان آموزش و تدریس به عنوان یکی از کارکردهای مرسوم آموزش عالی از حساسیت خاصی برخوردار است. اماگاهی

در حالی که در شرق، تسلط استاد و ارائه سخنرانی‌های او یک هنجار به شمار می‌رود. روش اصلی یادگیری در شرق به یاد سپردن و درک است در حالی که در غرب دانشجویان می‌آموزند که نقادانه و خلاقانه بیان‌پیشنند (Robinson, 1999). بائر و همکاران (et al Bauer & 2000) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیده‌اند که دانشجویان آسیایی متمایل هستند درس را مستقیماً از استاد بیاموزند و یادگیری وب محور را با قطع ارتباط مستقیم با استاد مساوی می‌دانند. در پژوهش حاضر نیز دانشجویان استاد را به عنوان منبع اصلی دانش فرض می‌کنند و هنوز به عهده گرفتن بخشی از وظایف درسی برای آنها نهادینه نشده است.

انسان‌ها تا حد زیادی به وسیله نیازهای شان کنترل می‌شوند. به علاوه وابستگی به نیازها در مراحل گوناگون رشد دانشجویان ممکن است متفاوت باشد. گروهی از دانشجویان ممکن است هنوز به پاداش ایمنی نیازمند باشند، در حالی که دیگران احساس ایمنی کنند و در جستجوی فرصت‌های رشد بدون نیاز به حمایت باشند. این ویژگی ممکن است در ادراک دانشجو هم از تدریس و هم از مدرس تفاوت‌هایی به وجود آورد (Marofi & et al, 2007).

دانش‌آموزان چینی از معلمان شان انتظار دارند که نقشی شبیه والدین را بازی کنند. از معلمان آسیای شرقی انتظار می‌رود که مسؤلیت هدایت دانش‌آموزان را نه تنها به صورت علمی بلکه به صورت اخلاقی بر عهده داشته باشند. به این صورت ارتباط استاد و دانشجو شبیه رابطه بین والدین و بچه‌ها در نظر گرفته می‌شود (oord, 2005). یکی از الزامات تدریس خلاق، فعال شدن دانشجو و قبول مسؤلیت و شرکت در انجام وظایف آموزشی است. یکی دیگر از یافته‌های این پژوهش نبود چالش و گفتگو در کلاس و نیز نگرش ستایش‌گرانه دانشجویان به علم است. لازمه ایجاد جو خلاق در تدریس، ایجاد فضای گفتگو و مباحثه است. رواج گفتگو و مباحثه بهترین راه حل برای تغییر وضعیت نابرابر و اقتدار گرایانه کلاس‌ها است. آموزش دیگر به معنای انتقال دانش و اطلاعات نیست، چرا که این کار را ابزارهای دیگر مانند اینترنت و کتاب و سایر ابزار بسیار بهتر و مؤثرتر از مدرسان دانشگاه انجام می‌دهند. تدریس عادلانه

کند (Arizi & et al, 2007). در رویکردهای جدید آموزش عقیده بر این است که برای تدریس، نمی‌توان به یک شیوه به خصوص تکیه کرد، به عبارت دیگر، معلمان می‌توانند با به کار گیری شیوه‌های متنوع تدریس، علاقه و توجه دانش‌آموزان را به درس جلب و تدریس خود را به یادگیری فعال نزدیک‌تر کنند (Shir Alipur & et al, 2012). برای ایجاد جو تدریس خلاق اساتید باید علل و عوامل بی میلی و بی انگیزگی دانشجویان برای شرکت در فعالیت‌های کلاسی و انجام تحقیق و پروژه را کشف کنند. با شناسایی این عوامل گام مثبتی در جهت به فعالیت واداشتن دانشجویان برداشته می‌شود. از سویی، یکی دیگر از یافته‌های این پژوهش نظرات استادان در مورد فاصله قدرت استاد و دانشجو است. لازمه ایجاد فرهنگ تدریس خلاق وجود انعطاف و گشودگی در ارتباط بین استاد - دانشجو و کاهش فاصله قدرت بین آنها است. اساتیدی که خلاقیت را در دانشجویان بر می‌انگیزانند به آنان اجازه می‌دهند تا تنوع بیشتری را در انتخاب موضوع داشته باشند، از دیدگاه‌های غیر معمول استقبال می‌کنند، کلاس را در سبک‌های غیر رسمی اداره می‌کنند و برای تدریس شور و شوق دارند (et al, 2005 Hong &).

نتایج پژوهش حاضر با پژوهش جویباری و همکاران (Joibari & et al (2010) مطابقت دارد. نتایج تحقیق آنان نشان داد که هم اساتید و هم دانشجویان رفتارهای نامحترمانه را برهم زنده و تهدید کننده محیط آموزشی می‌دانند. یکی دیگر از ویژگی‌های شناسایی شده در فرهنگ آموزشی پژوهش حاضر؛ وابستگی استاد به دانشجو در فرایند یادگیری است. در تدریس خلاق اغلب دانشجویان درگیر در تحقیق می‌شوند، مسائل هدف آزاد را حل می‌کنند، طرح‌ها را ساختار می‌دهند (Downing, 1997). در چنین شرایطی وابستگی دانشجو به استاد در فرایند یادگیری کاهش می‌یابد و دانشجو در انجام تکالیف و وظایف استقلال و آزادی دارد. در فرهنگ شرقی، استاد مقتدر بلامنازع و تنها منبع دانش برای دانشجویان است در حالی که در جوامع غربی، استاد به عنوان تسهیلگر یادگیری است و دانشجویان خود بر هدف و چگونگی یادگیری نظارت و کنترل دارند. در غرب فرایند یادگیری شامل گفتگو است،

که در آن رابطه‌ای برابر و عادلانه بین دانشجو و استاد برقرار شود، از اساسی‌ترین رکن‌ها جهت پرورش قدرت بحث و مذاکره در دانشجو است (Fazeli, 2003). نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش بادی کات (Bodycott, 2010) مطابقت دارد. آنها فرهنگ مطابقت و هم‌رنگی را در میان دانشجویان چینی این گونه ذکر کرده‌اند که دانشجویان میلی به سؤال کردن از استاد ندارند. آنها بیشتر مایل به پاسخ‌گویی به سؤالات وابسته به امور واقعی هستند تا سؤالاتی که نیازمند استدلال و تفکر انتقادی است. دانشجویان آسیایی با مفهوم یادگیری به طور انتقادی و تحلیلی مبارزه می‌کنند و با نقش استاد به عنوان یک میانجی یا تسهیل‌گر یادگیری مشکل پیدا می‌کنند (Inawali, 2011). یکی دیگر از موانع تدریس خلاق در این پژوهش تأکید بیشتر بر پژوهش در برابر آموزش است. تدریس دانشگاهی یکی از وظایف سه گانه شناخته شده در حوزه فعالیت‌های حرفه‌ای اعضای هیأت علمی است که به دلیل غلبه اهمیت پژوهش در آموزش عالی، مورد غفلت واقع شده است (Khakbaz, 2012). از طرفی نداشتن بنیان‌های تربیتی استادان نیز یکی از عوامل مؤثر در این زمینه است. دانش کاری مربوط به حوزه فعالیت، برای خلاق بودن در آن زمینه لازم است. زیرا دانش بخش اصلی و اولیه فرایندهای عملیاتی هوش را فراهم می‌کند و وجود آن برای خلاقیت ضروری است (Sadeghi Malamiri, 2007). برخی از اعضای هیأت علمی دانشگاهی نسبت به اصول شیوه‌های تدریس شناخت کمی دارند. اگر چه استادان دانشگاه‌ها در محتوای درس رشته‌ای که در آن تدریس می‌کنند قوی هستند، اما تعداد زیادی از آنان با نظریه‌های یادگیری و راهبردهای تدریس در دانشگاه آشنایی کمی دارند که این فقدان آگاهی باعث می‌شود که بسیاری از آنان همانند استادان خود تدریس کنند و از روش‌های تدریس و راهبردهای سنتی پیروی نمایند بدون این که درباره مناسب آن برای ایجاد یادگیری با کیفیت بالا در دانش تأمل کنند. به عبارت دیگر، تدریس از نظر این استادان به عادت تبدیل می‌شود که بدون بهره‌گیری از تفکر و خلاقیت انجام می‌پذیرد (Mohagheghian & et al,

در اکثر موارد از فارغ التحصیلان متخصص رشته‌های پزشکی به عنوان عضو هیأت علمی و مدرس استفاده می‌شود، بدون این که این افراد در ارتباط با مفهوم آموزش و شرایط و لوژام آن، آموزش کافی دیده باشند (Liu & et al, 2005). نتایج این پژوهش نشان داد که برخی از عوامل فرهنگی بر خلاقیت در تدریس مؤثر است. لذا شایسته است اساتید، برنامه ریزان و دست اندر کاران آموزشی پیش از هرگونه سیاست گذاری در خصوص روش‌های تدریس و تغییر آن این عوامل فرهنگی را درک کرده، با توجه به ملاحظات فرهنگی به بهبود روش‌های تدریس مبادرت ورزند.

#### منابع

Anderson- Patton V. M (1998), Creative catalysts: a study of creative teachers from their own perspectives and experiences [dissertation]. Temple University.

Arizi H, Abedi A, Taji M, (2007), Relationship between Teacher Behaviors with Vitality and Internal Motivation of High School Students in Isfahan, Journal of Educational Innovations. Vol 6, No 23, PP13-28.

Ballard B, (1990), Helping Students from Non-English Speaking Backgrounds to Learn Effectively, Royal Melbourne institute of Technology occasional. Vol 19, No 1 .

Banisi P, delfan Azari Gh. A, (2010), The effect of assessment on Islamic Azad university (zone 12) faculty members' teaching quality, Journal of Behavioral Sciences Fall. Vol 2, No 5, PP36-47 (Persian)

Bauer C, chin k .L, chang V, (2000), Web-based learning :aspects of cultural difference. available at: [http://is.lse.ac.uk/support/ECIS14/2000\\_04\\_03.pdf](http://is.lse.ac.uk/support/ECIS14/2000_04_03.pdf)

Bodycott P, Lai A, (2010), The influence and implications of Chinese culture in the decision to undertake cross-border higher education, Journal

دانشجویان آسیایی با مفهوم یادگیری به طور انتقادی و تحلیلی مبارزه می‌کنند و با نقش استاد به عنوان یک میانجی یا تسهیل‌گر یادگیری مشکل پیدا می‌کنند (Inawali, 2011). یکی دیگر از موانع تدریس خلاق در این پژوهش تأکید بیشتر بر پژوهش در برابر آموزش است. تدریس دانشگاهی یکی از وظایف سه گانه شناخته شده در حوزه فعالیت‌های حرفه‌ای اعضای هیأت علمی است که به دلیل غلبه اهمیت پژوهش در آموزش عالی، مورد غفلت واقع شده است (Khakbaz, 2012). از طرفی نداشتن بنیان‌های تربیتی استادان نیز یکی از عوامل مؤثر در این زمینه است. دانش کاری مربوط به حوزه فعالیت، برای خلاق بودن در آن زمینه لازم است. زیرا دانش بخش اصلی و اولیه فرایندهای عملیاتی هوش را فراهم می‌کند و وجود آن برای خلاقیت ضروری است (Sadeghi Malamiri, 2007). برخی از اعضای هیأت علمی دانشگاهی نسبت به اصول شیوه‌های تدریس شناخت کمی دارند. اگر چه استادان دانشگاه‌ها در محتوای درس رشته‌ای که در آن تدریس می‌کنند قوی هستند، اما تعداد زیادی از آنان با نظریه‌های یادگیری و راهبردهای تدریس در دانشگاه آشنایی کمی دارند که این فقدان آگاهی باعث می‌شود که بسیاری از آنان همانند استادان خود تدریس کنند و از روش‌های تدریس و راهبردهای سنتی پیروی نمایند بدون این که درباره مناسب آن برای ایجاد یادگیری با کیفیت بالا در دانش تأمل کنند. به عبارت دیگر، تدریس از نظر این استادان به عادت تبدیل می‌شود که بدون بهره‌گیری از تفکر و خلاقیت انجام می‌پذیرد (Mohagheghian & et al,

training in the EU member states: fostering creative learning and supporting innovative teaching, European commission joint research center. Institute of prospective technological studies .

Geertz C, (1983), Local knowledge: Further essays in interpretative anthropology, New York: Basic Books.

Gibson R,(2010),The art of creative teaching: implications for higher education. Teaching in Higher Education, Vol 15,No5,PP 607-613.

Grainger T, Barnes J, Scoffham S,(2004), a creative cocktail :creative teaching in initial teacher education, Journal of Education for Teaching: International Research and pedagogy Vol 30,No3,PP 243-253.

Ho E, Holmes P, Cooper J,(2004), Review and evaluation of international literature on managing cultural diversity in the classroom, Migration Research Group, University of Waikato Education NZ.

Hofstede G, (1994),Cultures consequences: international differences in work-related values. Beverly Hills: CA: sage.

Homan H.A,(2006), A Practical Guide to qualitative research. SAMT.

Hong J.C, Chan L. L. J, Chang S .H, Chu H.C,( 2005), Creative teachers and creative teaching strategies, International Journal of Consumer Studies. Vol 24,No4,PP352-358.

Iman M, (2009),Paradigmatic principles of quantitative and qualitative research methods in human sciences. Qom: The research institute of Hawzah and university.

Javidi T, Afsaneh A,(2010),Critical thinking skills of students in the baccalaureate program in Ferdowsi University of Mashhad ,Studies in Education and Psychology Vol 2,No24.

Jnawali, T(2011).Academic mobility language and cultural capital: the experience of transnational academics in British higher education

of studies in international education. Vol 16,No 3,PP252-270.

Brewster C, Fager J,(2000), increasing Student Engagement and Motivation: From Time-on-to Homework . Regional Educational Laboratory; Booklet, 1-25.

Brookfield S.D, Preskill S,(1999),Discussion as a way of teaching: tools and techniques for university teachers. London: open University .

Connelly F.M ,Clandinin D.J,(1988),Teachers as curriculum planners: narratives of experience. New York: teachers college Press.

Cortazzi M, Lixian J,(1997).Communication for learning across cultures McNamara and R. Harris (eds.) Overseas Students in Higher Education, issues in teaching and learning, London: Routledge,76-90.

Craft A, Jeffrey B ,Leibling M,(2007), Creativity in education . Continuum International Publishing Group .

Cremin T, Burnard P, (2006), Pedagogy and Possibility Thinking in the Early years, Thinking Skills and Creativity. Vol 2,No 2,PP108-119.

Downing P ,(1997),Creative teaching:ideas to boost student interest .Teacher ideas press, Greenwood Publishing Group.

Fazeli N.A(2008). Culture and university.Tehran:Saless.

Fazeli N. A,( 2003),comparative study of Iranian and British academic cultures an anthropological investigation into the inefficiency of Iranian Academic Education, Iranian Journal of Anthropology. Vol 1,No3,PP 93-132 [ Persian.]

Fenstermacher G, Richardson V, (2005),on making determinations of quality in teaching, Teachers college record. Vol 107,No1,PP 186-213 .

Ferrari A ,Cachia R, Punie Y, (1993),innovation and creativity in education and

- Nakpodia E.D,(2010), Culture and curriculum development in Nigerian schools African, Journal of History and Culture . Vol 2,No1,PP001-009.
- Niknam Z,MehrMohammadi M ,Fazeli N, Fardanesh H,(2011),Explanation to an anthropological approach to science education, Journal of Curriculum Studies. Vol 5,No8,PP20-36 ( Persian).
- Nikneshan S(2010). approach of Religion training regarding to reason-centered and faith-centered Studies in Education and Psychology. Vol 11,No2,PP145-165 ( Persian)
- Oord L,(2005),Culture as a configuration of learning:hypotheses in the context of international education, Journal of research in international education. Vol 4,No2,PP173-191 .
- Robinson B,(1999),Asian learners, western Models :Some discontinuities and issues for distance educators. Hong Kong: Open University, 33-48.
- Rohi Q, Hosseini S, Badeleh M .d, Rahmani H( 2002). Academic Motivation and its Relationship with Factors in Golestan University of Medical Sciences, Steps in the development of Medical Education. Vol 4,No2,PP77-83 (Persian).
- Rorrry R,(1979), Philosophy and the mirror of nature ,Princeton university Press, Princeton, New Jersey.
- Sadeghi Malamiri M(2007).Creativity(a systemic approach; individual, group, organization. Tehran: Emam Hosien University.
- Salehi Omran E(2011).Survey of Faculty Member's teaching load in university ,Studies in Education and Psychology, Vol 11,No2,PP5-28 (Persian).
- Sepandar M,(2011),the amount of cultural sensitivity curriculum of educational science and qpsychology dissertation,Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad.
- Shakibaei Z, Ghourchian N.gh, Khalkhali A,(2009), Developing a research university in Iranian higher education system: a model institutions. Journal of Studies in International Education,Vol x, No x,PP 1-21.
- Johnson J,(2008),Selecting ethnographic informants. London: sage publication .
- Joibari L, Mohammadi Z, Sanagoo A,(2010), A Glance at Students and Faculty Members Perceptions of uncivil behavior in educational settings, Strides in Development of Medical Education Vol 7,No2,PP127-133.
- Khakbaz A, Alamolhoda J, Moosapoor N, Bablian E (2012). Phd Mathematics students' experiences from supervisors educational influence on teaching knowledge development, Curriculum Planning. Vol 2,No32,PP1-15 (Persian).
- Larkian M , Attaran M , Aliasgari Majid(2011).Cultural approach toward e-learning; Fourth conference on e-learning, University of Science and Technology, Tehran, Iran.
- Lincoln Y, Guba E, (1982), Naturalistic inquiry .Newbury park, sage publication.
- Liu Y, Huang C, (2005), Concerns of Teachers about Technology Integration in the USA, European Journal of Teacher Education. Vol 28,No1,PP35-47.
- Marofi Y, Kiamanesh A, Mehrmohammadi M, Aliasgari M,(2007),Teaching assessment in higher education:an investigation of current approaches,Journal of Curriculum Studies. Vol 2,No5,PP81-122 (Persian).
- Maynard A.E. (2004). Cultures of teaching in childhood: formal schooling and Maya sibling teaching at home, Cognitive development Vol 19, PP517-535.
- Mohagheghian Sh ,Ahmadi Gh,Saadatmand Z, (2012),Recognition and application of new teaching models among the humanities faculty members, research in Curriculum Planning. Vol 9,No8,PP48-59 (Persian).
- Mohammadi biook (2009),An introduction to qualitative research,Tehran: school of humanities and cultural studies[ Persian]

presentation, Journal of Educational Leadership and Administration fall. Vol 3, No9, PP69-83 (Persian)

Sheykhzadeh M, Samari Sh, (2010), The study of teaching methods of university teachers in Islamic Azad university of the province of west Azarbayjan, Educational Administration Research Quarterly . Vol 1, No3, PP71-94 (Persian).

Shir Alipur A, Asadi M , Shakori Z , Behrangi M. R, (2012), What is all this fuss about teaching models? Curriculum Planning; research in Curriculum Planning. Vol 9, No7, PP74-83 (Persian).

Uzuner S, (2009), Questions of Culture in Distance Learning, International Review of Research in Open and Distance Learning. Vol 10, No3, PP2-19 .

Wang H, (2006), How Cultural Values Shape Chinese Students' online Learning Experience in American Universities [dissertation]. Athens, Georgia.

Zhang y, Ian M.G, (2009), Teacher-student relationships in an international baccalaureate school in china, Journal of research in international education. Vol 8, No2, PP164-190.